

تجلی حکمت و عرفان و باورهای اسلامی در هنر، معماری و شهرسازی ایران

افسانه سلیمانی^۱

چکیده

از منظر هستی شناسی اسلامی، وجود هر شیء در عالم ماده، آیه، نماد و نشانه ای از وجودی عظیم تر در عوالم بالاتر است و هر جزء از عالم طبیعت، به منزله آیینی است که صفاتی از صفات خداوند را به تصویر می کشد. بنابراین، نگرش آیه ای به عالم طبیعت در هنر و معماری اسلامی به ویژه در ایران پس از اسلام، بازتاب و نمود یافته و معماران مسلمان به روش های مختلف به تصویرگری نمادین عالم ملکوت پرداخته و هنرنمایی نموده اند.

در این نوشتار، سعی بر این است به اختصار نمونه هایی از مصادیق بی شمار از جلوه های حقیقت در آثار هنری معماران و هنرمندان ایرانی به تصویر کشیده شده و پرده از رموز و معانی نهفته در آن ها گشوده شود؛ بدین منظور، تحقیقات و مقالات و کتبی که به صورت موردی به این امر پرداخته اند، مورد مطالعه و استفاده قرار گرفته شده، تا مفاهیم پنهان در آثار هنری هنرمندان مسلمان، برای بیننده آشکار گردد.

کلیدواژه

حکمت، عرفان، معماری اسلامی، معماری ایرانی، هنر

^۱ مقطع تحصیلی: سطح ۲

مدرس: کریمه اهل بیت (س)

مقدمه

سخن گفتن از هنر سنتی ایران یادآور هنر اسلامی ایران است. تأمل در آثار هنری ایران، قبل و پس از اسلام حکایت از آن دارد که هنر، همواره با بینشی هستی‌شناسانه همراه بوده که بر نوعی آگاهی باطنی از عالم هستی متکی، و از ماهیتی قدسی برخوردار است.

صورت‌های هنر سنتی ایران ضمن تنوع و گوناگونی در قالب‌های مختلف خود همواره از یک معنی سخن گفته‌اند. به منظور ادراک راز وحدت آفرین هنرهای ایران، ناگزیر باید به منشأیی رجوع کرد که صورت بخش آن‌هاست. مهم‌ترین اصل در این زمینه سلسله مراتب حقیقت است که دیگر اصول بنیادی بر مبنای آن رقم می‌خورد؛ به طوری که باور به آن همه امور زندگی از جمله هنر را در پرتو خود می‌آورد. به همین دلیل طبیعت نیز به عنوان جلوه محسوس تجلی حقیقت هستی، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد.

با قرارگرفتن خداوند در رأس نظام سلسله مراتبی موجودات، همگی در ذیل وجود و نام او قرار گرفته، و هر موجودی در این نظام، نسبتی ویژه با حقیقت یافته که حد ظرفیت وجودیش را نشان می‌دهد.

در سنت ایرانی - اسلامی هنر به زیبایی وابسته است و زیبایی به حقیقت وجود؛ وجودی که در تحقق، محتاج امری خارج از ذات خود نیست و قیومی است ثابت به نفس خود. حقیقت پنهانی که به عشق دیدن زیبایی و شناساندن خویش با حرکتی دوری از وحدت به سوی کثرت روی می‌آورد که نتیجه آن، آفرینش عالم و ظهور تجلیات گوناگون اوست.

حقیقت به منزله گنج مخفی^۱ که منشأ و سرچشمه همه چیز، از جمله حسن زیبایی و عشق است، موجودات را خلق می‌کند تا او را بشناسند و زیبایی‌اش را مشاهده نمایند. حرکت هستی، در مسیر دوری از یک نقطه شروع می‌شود و پس از طی قوس نزولی بار دیگر با روی نهادن هستی به سوی کمال در قوس صعودی به همان نقطه باز می‌گردد. بنابراین، حقیقت وجود از او و قائم به او و هستی همه، در وابستگی به اوست.

براین مبنای باور به عالمی سلسله مراتبی را در حرکتی دوری از وحدت به کثرت و از کثرت به وحدت، می‌توان رکن بنیادین شکل‌گیری هنرهای ایران دانست.

^۱ اشاره به حدیث قدسی: «كُنْتُ كَنْزاً مَخْفِياً، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَعْرِفَ، فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيَّ أَعْرِفَ؛ گنجی مخفی بودم، دوست داشتم شناخته شوم، پس خلق کردم تا مرا بشناسند»

بر این اساس، برای تبیین جایگاه هنر سنتی پس از اسلام در ایران باید آن را در مراتب وجود، از منظر فلسفه و عرفان جستجو کرد.

بدین منظور با استعانت از برخی کتب فلسفی و عرفانی مانند شرح مقدمه قیصری و شرح گلشن راز لاهیجی و دیگر کتب مرتبط، و همچنین تألیفاتی در حوزه معماری مانند مقالات لینگر و اصفهان: تصویر بهشت استیرلن، بخصوص کتاب ملکوت آینه های طهوری، کوشش شده نسبت حقیقت با زیبایی و نیز ارتباط این دو، با هنر، هنرمند و اثر هنری در باورهای ایرانی - اسلامی، نشان داده شود.

بیان حقیقت در عالم سلسله مراتبی

از منظر عرفان اسلامی، هستی در عالمی سلسله مراتبی از بالا به پایین و حرکتی رفت و برگشتی، شکل می گیرد. سیر دوری حقیقت مشتمل است بر دو قوس یعنی حرکت از وحدت به کثرت، یا تجلی اسمای جمالی حق که موجب خلق عالم می شوند، و حرکت معکوس آن یعنی سیر از کثرت به وحدت، یا تجلی اسمای جلالی حق تعالی که سبب خلع وجود از موجودات می شود. بنابراین آغاز و انجام آن یکی است؛ از یک حقیقت شروع و به همان ختم می شود.^۱

در توصیفی که ابن عربی از هستی به دست می دهد، حقیقت در مراتبی پنج گانه از مقام احدیت، تا مقام محسوس نزول مرتبه می یابد و به همین دلیل به حضرات خمس شهرت دارد. اولین مرتبه وجود، مقام او ادنی یا احدیت وجود صرف است و تعینی ندارد.^۲ این مرتبه مقام ذات، مقام لاهوت و مقام باطن اسم الله است.

دوم، مرتبه جبروت، اولین تعین حق تعالی، مقام قاب قوسین^۳ یا ظاهر اسم الله است، که آن را عقل کل و حقیقت محمدیه نیز می نامند؛ حقیقت انسانی در همین مرتبه جای دارد که میان

^۱ «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ...» (حدید:۳) جامی، لوایح، ص ۶۸

^۲ آن را مقام غیب الغیوب، غناء العالمین، جمع الجمع و حقیقت الحقایق نیز می خوانند.

^۳ آشتیانی، شرح مقدمه قیصری، ص ۸۸

^۴ قاب قوسین اشاره است به "فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى؛ بدان نزدیکی که با او به قدر دو کمان یا نزدیک تر از آن شد." (نجم:۹)

آن و حضرت الوهیت هیچ واسطه ای نیست،^۱ مقامی که بالاترین مرحله سیر سالک به مثابه انسان کامل، تا همین مرتبه می تواند صورت گیرد.^۲

مرتبه سوم یا عالم ملکوت به معنی تجلی وجود به اسم "نور" است؛ که همه چیز به واسطه آن موجود می شود.^۳

چهارم عالم مثال یا خیال، واسطه میان سه عالم روحانی بالا و پایین ترین مرتبه وجود یعنی عالم محسوس یا ناسوت (پنجمین مرتبه وجود) است.^۴ نقطه مرکزی عالم ناسوت، انسان به مثابه آخرین تنزل هستی است.^۵

در نظام عالم سلسله مراتبی ابن عربی، که بسیاری از بزرگان دوره صفوی از پیروان او بوده اند؛ تجلی مقام احدیت (عالم لاهوت) در مرتبه واحدیت (عالم جبروت) و مراتب پس از آن (عوالم ملکوت، مثال و ناسوت) با موضوع عوالم آئینه ای منطبق برهم، ارتباط می یابد. در این مراتب هر مرتبه ای آئینه مرتبه ما قبل خویش و عاشق آن است، به همین دلیل عالم وجود مملو از عشق است؛ گنج پنهان (عالم لاهوت) به عشق ظاهر کردن خود، آئینه ای طلب کرد تا جمال خود را در آن ببیند و صفات خویش را مشاهده نماید.^۶

از آن جا که بر چنین مبنایی، همه موجودات مظهر جمال یک حقیقت، و آئینه کمال او محسوب می شوند؛ هر زیبایی به وی باز می گردد که بسته به جایگاهی ویژه در سلسله مراتب عالم، بازتاب پرتویی از زیبایی اوست.

بنابراین، زیبایی در چنین عالمی شأن وجودی دارد، زیبایی حسی، نازل ترین و زیبایی مطلق حق تعالی، بالاترین مرتبه آن شمرده می شود که از شدت پیدایی، از خلق جهان پنهان است و دیدن او بی واسطه ممکن نیست.^۷

^۱ لاهیجی، شرح گلشن راز، ص ۱۹۴

^۲ آشتیانی، شرح مقدمه قیصری، ص ۹۱

^۳ آملی، نص النصوص در شرح فصوص الحکم، صص ۳۹۹-۴۰۰

^۴ جامی، لوامع و لوايح، ص ۷۹

^۵ شایگان، آیین هندو و عرفان اسلامی، صص ۲۰۱-۲۰۲

^۶ نسفی، کتاب الانسان الكامل، صص ۱۹۸-۱۹۹-۲۰۸

^۷ الانصاری، مشارق انوارالقلوب و مفاتیح اسرارالغیوب، ص ۷۱

يَا مَنْ هُوَ اخْتَفَى لِفَرْطِ نُورِهِ

الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ فِي ظُهُورِهِ^۱

مقام احدیت: فضای تهی و عوالم آینه ای

فضای تهی

آنچه ظاهراً از دیده ها پنهان، ولی هستی بخش کل عالم است، گنج مخفی است. تجلی این حقیقت پنهان، و آشکار شدن حقیقت زیبایی در موجودات، از جمله آثار هنری، به صورت "فضای تهی" به شکل مرکزی نشان داده می شود که همه چیز از آن آغاز و بدان ختم می شود، و در شکل گیری فضاهای شهری و بناهای معماری، به عنوان شکل دهنده ساختار فضا، نقش اساسی بر عهده دارد.

این معنا در میدان های اصلی شهرهای سنتی ایران متبلور است، که یکی از زیباترین و مهم ترین نمونه های آن، میدان نقش جهان اصفهان با شهرت جهانی است.

فضای تهی، عامل پیوند راسته ها و کوچه ها در مرکز محلات و نقاط مرکزی بازار در چهارسوها نیز هست. همچنین در مسجد و کاروانسرا و مدرسه و خانه و... تشکیل دهنده قلب فضا، به صورت حیاط مرکزی است، که دیگر فضاها را به دور خود گرد می آورد.^۲

نقشی که حیاط مرکزی بازی می کند، نقشی است که گنج مخفی در ساختار بخشی به هستی دارد. میدان شهر، با گرد هم آوردن فضاهای پراکنده به دور خود و درعین حال به دور یکدیگر سازمان دهی نظام شهری را سامان می بخشد.^۳

از این منظر، می توان گفت در شهرسازی و معماری سنتی ایران، مرتبه اول از سلسله مراتب وجود، به صورت فضاهای تهی، در تعیین ساختاری و مفهومی فضا دخالت می کند؛ همان طور که به روشنی، هم در تزئینات و هم در ساختار طاق ها به صورتی خودایستا، انعکاس می یابد. همچنین در تزئینات و هنرهای وابسته به معماری نظیر کاشی کاری و گچ بری و... در شکل گیری مقرنس ها و گره چینی ها نیز ظهور می یابد که همه در هندسه ای منظم، به دور یک نقطه مرکزی در کل و جزء شکل می گیرند.

^۱ ای آنکه از بسیاری نورانیّتش پنهان است/ ای پیدایی که به سبب پیدائیش ناپیداست (مطهری، شرح منظومه، ج ۱، ص ۸)

^۲ طهوری، ملکوت آینه ها؛ مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی، ص ۱۱۸

^۳ همان، ص ۱۰۵

بنابراین روشن است که عدد ۳۳ راز دستیابی به حقیقت یا بهشت موعود به مفهوم جایگاه خداوند است، مقامی که فقط برگزیدگان بدان راه می یابند.^۱

همچنین، سی و سه در بهشت، نشانه سی و سه بند از کشتی یا کمربندی است که هر فرد زرتشتی پس از هفت سالگی باید به کمر ببندد، و پس از پانزده سالگی بی آن بودن گناه محسوب می شود.^۲

پس می توان نتیجه گرفت بهشت زرتشتی سی و سه در دارد، و مطابق تأویلی که آمد در قرآن کریم نیز سی و سه راه به بهشت یعنی مقام احدیت ختم می شود. از اینجا می توان مفهوم پل چینوت و پل صراط را به معنی پلی که آمرزیدگان را از سی و سه راه به بهشت برین رهنمون می شود، در مصداق عینی آن یعنی سی و سه پل اصفهان یافت.

شخص مؤمن با گذشتن از پل صراط به چهار باغ بهشت درمی آید، و کسی که از سی و سه پل می گذرد، خود را در چهار باغ اصفهان شاه عباسی می یابد. بنابراین گذر از این پل یادآوری روز حساب و رسیدن به پاداش اخروی است.^۳

نتیجه گیری

در اندیشه اسلامی میان هنر و حکمت پیوندی ضروری وجود دارد. هنر اسلامی از حکمت الهی و معانی عمیق عرفانی تشکیل شده است؛ عرفانی که به معنای شناخت و دریافت شهودی خدا و اسماء و صفات اوست.

همه اسماء الهی به طور عام و برخی مانند : مصور، خالق، بدیع، باری و جمیل به طور خاص، با هنر، زیبایی و آفرینندگی پیوند دارد.

زیبایی، تجلی معنایی است که همانا راز صورت بخشی حق در آینه عالم و علت خلق کائنات است که جمال او را به تماشا می گذارد. رازی که در حدیث قدسی "گنج پنهان" باز می شود: حقیقت به عشق دیدن و شناساندن خود به آفرینش عالم پرداخت. بنابراین اولین ظهور عشق از سوی خداوند علت خلق عالم است.

^۱ طهوری، ملکوت آینه ها؛ مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی، ص ۱۴۹

^۲ بهار، پژوهشی در اساطیر ایران، ص ۲۵۷

^۳ طهوری، ملکوت آینه ها؛ مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی، صص ۱۵۰-۱۵۱

چون منشأ هر زیبایی به حقیقت وجود منسوب است، بازگویی حقیقت در اثر هنری، تنها در هنر قدسی امکان ظهور دارد و به همین دلیل فقط در حیطه هنرهای سنتی می تواند متجلی شود. در سنت ایرانی به سبب رجوع منشأ هنر به الهام خدایی، آثار هنر سنتی تجلی رؤیت هنرمند از حقیقت در مراتبی بالاتر از عالم محسوس است.

او به تناسب زمان و مکان و مرتبه وجودی خویش صورتی از حقیقت را در اثر هنری جلوه محسوس می بخشد؛ هرچه هنرمند به منشأ حقیقت زیبایی نزدیکتر شود، حاصل هنرش هم جلوه گاه زیبایی بیشتری خواهد شد.

زیباترین صورت های معماری اسلامی بر پایه معرفت سازندگان و حاصل کار هنرمندانی است که قادر بودند صورتی از حقیقت را در قالب اثر هنری متناسب با عالم ویژه روزگار خود، متجلی سازند. چنانکه یکی از مؤلفه های کلیدی در هنرها و به ویژه معماری و شهرسازی سنتی ایران، توصیف بهشت، به عنوان اولین مرتبه تجلی حقیقت است که ژرف ترین و زیباترین صورت های آن، در اصفهان دوره صفوی شکل گرفته است. مانند: هشت بهشت و چهارباغ

از صورت های دیگر تجلی حقیقت در معماری اسلامی، پل به عنوان راهی به بهشت، نمادی از پل صراط است؛ که شخص مؤمن با گذشتن از آن به چهارباغ بهشت در می آید؛ همان گونه که هر کس از سی و سه پل عبور کند، خود را در چهار باغ اصفهان شاه عباسی می یابد.

همچنین نور، رنگ و آب: سه عنصر زیبایی شناسی معماری اسلامی هستند؛ نور عمده ترین مشخصه معماری ایران و نمادی از عقل الهی، رنگ که از انقطاع نور حاصل می آید نمادین ترین تمثیل تجلی کثرت در وحدت، و آب هم تصویر طبیعت در معماری اسلامی است.

بررسی معانی و رموز اعداد مقدس که در معماری اسلامی مورد عنایت و توجه معماران و هنرمندان قرار گرفته، مثل: ۴، ۸، ۳۳، ... بیانگر این مطلب است که، کاربرد هریک از این اعداد حکمتی داشته و هر عدد نمادی است با پیچیدگی های معنایی ویژه و سرشار از تأثیرگذاری، که با بهره گیری از منابع عرفانی، به معانی باطنی اعداد به کار رفته در ظرف مفهومی سنت، می توان دست یافت.

در جستجوی مفاهیم پنهان در بعضی از نقوش کاشی های زرین فام هم می توان چنین نتیجه گرفت؛ که بر معنایی متعالی و برگرفته از فرهنگ کهن ایرانی دلالت دارند که همین رابطه با جهان ماورایی سبب می شده که ایرانیان در یکی از سخت ترین دوره های حیات تاریخی خود

خویشتن را در حمایت نیروهای آسمانی و امدادهای غیبی بدانند و مصیبتی را که بر ایشان نازل گشته بود همیشگی نشمارند.

در آخر، لازم به ذکر است؛ اگر تلقی از هنر سنتی در زمان حاضر محدود به شکل های ویژه گذشته آن شده، بدین سبب است که ارتباط با حقیقت در زمان حاضر یا از بین رفته و یا چنان اندک شده که صورت های رنگارنگ آن، دیگر در اثر هنری متجلی نمی شود و هنر معاصر، بیشتر بر نگاه ویژه هنرمند به جهان محسوس تأکید می کند، چنان که غالباً "سنت" خود به معنای چیزی متعلق به گذشته تلقی می شود.

فهرست منابع

قرآن مجید

آشتیانی، سیدجلال الدین، شرح مقدمه قیصری، مقدمه ای از هانری کربن و سید حسین نصر، انتشارات باستان، مشهد، ۱۳۴۴

آملی، شیخ حیدر، نص النصوص در شرح فصوص الحکم، ترجمه محمدرضا جوزی، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۵

استیرلن، هانری، اصفهان: تصویر بهشت، با مقدمه هانری کربن، ترجمه جمشید ارجمند، نشر فرزانه، تهران، ۱۳۷۷

اشپولر، برتولد، تاریخ مغول در ایران (دو جلد)، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۴
اقبال، عباس، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۶

الانصاری (ابن دباغ)، عبدالرحمن بن محمد، مشارق انوارالقلوب و مفاتیح اسرارالغیوب، به تحقیق هـ. ریتز، ترجمه قاسم انصاری، انتشارات طهوری، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹

اوستا، نامه مینوی زرتشت (دوجلد)، گزارش جلیل دوستخواه، انتشارات مروارید، تهران، ۱۳۷۰
بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۷۵

جامی، نورالدین عبدالرحمن، لوايح، تصحيح، مقدمه و توضیحات از یان ریشار، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۳

_____، لوايح و لوايح، با مقدمه ایرج افشار، انتشارات منوچهری، تهران، نوبت چاپ نامعلوم

سمنانی، علاءالدوله، چهل مجلس، تحریر اقبال سیستانی، به اهتمام عبدالرفیع حقیقت، انتشارات اساطیر، تهران، ۱۳۷۹

_____، مصنفات فارسی، به اهتمام نجیب مایل هروی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹

سهروردی، شهاب الدین یحیی، مجموعه آثار فارسی شیخ اشراق، به اهتمام هانری کربن و سیدحسین نصر، گنجینه نوشته های ایرانی، تهران، ۱۳۴۸

_____، قصه های شیخ اشراق، ویرایش جعفر مدرس صادقی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۴
شایگان، داریوش، هانری کربن؛ آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی، ترجمه باقر پرهام، نشر فرزانه روز، تهران، ۱۳۷۳

_____، آیین هندو و عرفان اسلامی، ترجمه جمشید ارجمند، نشر فرزانه روز، تهران، ۱۳۸۲
شیخ نجم الدین کبری (خیوقی خوارزمی، مولانا ابوعبدالله احمد)، فوایح الجمال و فواتح الکمال، ترجمه محمدباقر ساعدی خراسانی، به اهتمام حسین حیدرخانی، انتشارات مروی، تهران، ۱۳۶۸
شیمل، آنه ماری، خوشنویسی اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، نشر مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران، ۱۳۸۱

طهوری، نیر، ملکوت آینه ها؛ مجموعه مقالات در حکمت هنر اسلامی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۹۱

عصام السعید و عایشه پارمان، نقش های هندسی در هنر اسلامی ایران، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۳

فره وش، بهرام، جهان فروری، انتشارات کاربان، تهران، ۱۳۶۴

کربن، هانری، آیین جوانمردی، ترجمه احسان نراقی، نشر نو، تهران، ۱۳۶۳

_____، ارض ملکوت؛ کالبد انسان در روز رستاخیز، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۷۴

_____، انسان نورانی در تصوف ایرانی، ترجمه فرامرز جواهری نیا، انتشارات گلبان، تهران، ۱۳۷۹

گات ها - سرودهای زرتشت، ترجمه ابراهیم پورداود، انتشارات انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۳۰۵

گنون، رنه، معانی رمز صلیب، ترجمه بابک عالیخانی، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۷۴
لاهیجی، شیخ محمد، شرح گلشن راز، به کوشش کیوان سمیعی، انتشارات محمودی، ۱۳۳۷
لینگر، مارتین، هنر خط و تذهیب قرآنی، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، انتشارات گروس،
تهران، ۱۳۷۷

_____، مجموعه مقالات راز و رمز هنر دینی، سروش، تهران، ۱۳۷۸
مطهری، مرتضی، شرح منظومه (دو جلد)، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۶۰
منشی قمی، قاضی میر احمد بن شرف الدین حسین، گلستان هنر، به تصحیح احمد سهیلی
خوانساری، انتشارات منوچهری، تهران، ۱۳۵۹
نسفی، عزیزالدین، کتاب الانسان الکامل، با پیشگفتار هانری کربن، به تصحیح و مقدمه ماری ژان
موله، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، انتشارات طهوری، تهران، ۱۳۷۹
نصر، سیدحسین، معارف اسلامی در جهان معاصر، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران،
۱۳۴۸

ورمازرن، مارتین، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشر چشمه، تهران، ۱۳۷۲
هنرفر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ناشر: مؤلف، ۱۳۵۰